

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد سرور رانا مونشن
آلمان

جایزه صلح نوبل بازیچه سیاست

اگر خود آقای الفرید نوبل بنیان گذار این جایزه زنده می بود و می دید که جایزه کریمانه و شریفانه و بشردوستانه وی اینگونه بازیچه دست سیاستمداران مغرض و مورد تاخت و تاز سیاست جهانی قرار گرفته و آنرا به جنگسالاران ماهر و حرفه ئی که در راه منافع خود، کشورهای آزاد، بیطرف، آباد و کوچک را به خاک و خون کشانیده باشندگان مظلوم آنرا اسیر و غلام ساخته داریهای آنها را به غارت میبرند و بعد به نام کمکهای عمرانی و اقتصادی ملیارد ها دالر را طور نمایشی از یک درب به کشور وارد و بعد از صرف یکمقدار توسط نمایندگان و سفارت های شان باقی مانده را بدون اضلاع حکومت از درب دیگر توسط عمال ماهر خویش برمیگردانند مستحق این جایزه میگردند شاید در همان لحظه نفرین گویان بر زمین افتاده برای ابد با وطن وزمام داران خود وداع میگفت .

این تعجب آور نیست که جایزه صلح نوبل به جابرین، جنگجویان و تجاوزگران جهان مثلاً صدراعظم اسرئیل داده شود که به کمک تسلیحات و پشتیبانی ایالات متحده امریکا و هم پیمانان شان زمینهای اعراب را اشغال و فلسطین را به خاک و خون کشانیده ویا امثال آن مثلاً انگلیس و حکومت امریکا چه جنایت ها نیست که در حق مردم مظلوم جهان، اخیراً در عراق و افغانستان نکرده باشند ؟

از ۲۸ اپریل سال ۱۹۷۸ تا امروز که بیش از سی و یکسال میگذرد کشور و مردم ما در حضور تمام مردمان جهان، مخصوصاً قدرتمندانی که داد از عدالت و دموکراسی زده و دهل حقوق بشر را در سراسر کره زمین به منفعت خود به صدا آورده اند در جنگ تحمیلی که نایره آن به دست همین زورگویان و قدرتمندان که مستحق جایزه نوبل شده اند و یا میشوند در وطن ما روشن و شعله های آن چنان مشتعل شده که هر روز تر و خشک، گنهکاران و بیگناهان، کودکان معصوم و سالخوردهگان ناتوان، حتی خانه و کاشانه بیچارگان را به خاکستر مبدل میسازد.

جماهیر اشتراکی شوروی که دومین کشور قدرتمند جهان زمان خود بود به مقصد اجرای آرزوی کاترین پادشاه اسبق روسیه یعنی توصل به آبهای گرم خلاف استقلال، بیطرفی و دین کشور ما با یک صد هزار سرباز مجهز به توپ ، تفنگ، هاوان، طیارات جنگی و بم افکن و مابین های رنگارنگ و تحافی از قبیل ماشین آلات و فابریکات، پول نقد، شیرینی و چاکلیت ها و همچنین مواد خوراکیه آرد، روغن، برنج، چای، شکر و قند، البسه نخی، نایلن و پشمی،

بوتهای پلاستیک و چرمی، رتبه و مقام و نشانهای بیشمار آمدند. چون ازین بخششها و تحایف نتیجه ندیدند کشتند، بستند، بالاخره خراب کرده ریختند و پاشیدند. درپایان بعد از چند سال مبارزه و پیکار، ناکام، پریشان بادلهای پر از آرمان، بیچاره، ضعیف و ناتوان و قبول تلفات جوانان و سکنه قلبی یکعده سران و زمام داران و سقوط اتحاد جمهوری شوروی و امحای آن از نقشه جهان، فروریختن دیوار برلین و دوباره پیوستن آن به المان سقوط پکت و ارسا، سرکشی و جدا شدن هم پیمانان، افتیدن دالر و خندیدن آبرو، یکه تازی و خودسری ایالات متحده امریکا در جهان، ظهور اروپای واحد که این غیرمنتظره و برای بعضی مردم و کشورها کمی تکان دهنده بود بالاخره جنگ و تجاوز را بی حاصل و باعث تباهی خود اعلام کرده به وطن خویش بازگشتند.

المان و فرانسه دشمنان دیرینه، کینه ها را کردند فراموش و همدیگر را صمیمانه کشیدند در آغوش و با همکاری و همفکری سایر دوستان اروپائی و تبادل نظر با هر یکی شان اروپای بزرگ آمد به میان. ایالات متحده قدرت اول جهان با وجود احساس نگرانی از توسعه و آینده این اتحاد لنگان لنگان در آنجا وارد و با آنکه خوب می دانند با این جور نمی آیند اما مجبورند خود را در آن بچسپانند. اروپای پخته کار با اینکه خوب میدانند که بانی جنگ ها در عراق، افغانستان، اسرائیل، لبنان، فلسطین، سودان، سوریه و غیره نقاط جهان، یا تقویه کننده و مسلح سازنده اسرائیل به ضد اسلام و یا ایران و سایر کشورها که در برابر شان سرفرو نمی آرند تروریستی را کردن عنوان، عمل ظالمانه ایالات متحده امریکا و برتانیه است که هنوز ادامه دارد باز هم با دادن جایزه نوبل، و بیانات شیرین و تقدیم دسته های گل آنها را راضی و خوش نگه میدارند، و تاروژی که بتوانند در چنین ظلم و تعدی و اجحاف شامل نشده و از شمولیت در آن عذرخواهند، با آنها تنها سر می جنبانند.

ایالات متحده امریکا هم خالی ذهن نبوده جریانات را خوب میدانند و به همین ملحوظ دست روسها، چین و هند را فشار داده و سیاست کج دار و مریز را با آنها نگه میدارد که آنها هم ازین موقعیت بهره میبردارند. اما ناگفته نماند امریکا و اروپا، اتحاد چین و روس و دوستی هندوستان و چین را با وجودی که فعلاً امکان ندارد اما نمی توانند از نظر دور نگهدارند و یا نگرانی خود را ازین بابت پنهان ندارند و بر همین اساس حکومت ایالات متحده امریکا و انگلستان، پاکستان را که مطابق میل و آرزوی شان مطیع و فرمانبردار بار آورده اند به هر نام و عنوان که شود نگهداشته و ناز زمام داران آنها هم میبردارند.

وضع کنونی جهان مخصوصاً منطقه در اثر مداخله مغرضانه قدرتهای بزرگ، چنان تیره و تار و دور نما طوری مغشوش گردیده که جریان فردا را کسی پیشگوئی نمیتواند، به همین جهت بعضی سران کشورها ی بزرگ و کوچک جهان بدون اندک توجه به نتیجه پلان و کار شان خودسر روان بوده قدرت نمائی میکنند. بعضیها در سایه شتر قرار گرفته و خود را بزرگ می بینند و به قدرتی که خود به آن اعتماد و اطمینان ندارند کشور دیگر را میترسانند و میخواهند بهره هم بردارند، خبر ندارند که مردمان بعضی کشورها با چوب و سنگ و های های و زور ایمان، دشمن و اشغالگران را بیرون میرانند.

چند روز قبل "آقای" گیتس وزیر دفاع ایالات متحده امریکا طی مصاحبه مطبوعاتی خویش درباره معضله افغانستان گفت جهت تأمین امنیت در افغانستان مدت طولانی کار داریم تا بتوانیم افغانستان آرام را به مردم آن بسپاریم. چند روز بعد در محفل توزیع جایزه نوبل صلح به "جناب" اوباما رئیس جمهور ایالات متحده امریکا ایشان بعد از اخذ جایزه در حضور حاضرین آن مجلس بزرگ علمی که شامل یکعده دانشمندان جهان بود فرمودند ما تصمیم گرفته ایم که در افغانستان دیرنمانیم این سی هزار عسکراضا فی را به همین مقصد فرستاده ایم که به سال ۲۰۱۱ یعنی سیزده ماه بعد خروج عساکر را از آنجا آغاز کنیم. سه روز بعد از آن رئیس ارکان آنها که در عراق جهت

ترتیب پلان بیشتر سرکوبی و کشتار مردم عراق در بغداد "تشریف" آورده اند در ضمن مصاحبه اختصاصی خود گفت مقصد "آقای" اوپاما از خروج یازده ماه بعد از افغانستان آغاز تحویل دهی امور امنیتی به سربازان افغانستان بوده نه آغاز خروج از افغانستان. جهت آغاز خروج قطعی وقت زیار به کار است. **"گرزی صاحب" کدا مش**

صحیح است؟

با تعجب فراوان چند روز بعد آن از سفیر کبیر ایالات متحده امریکا در کابل که جهت مشوره و کسب دستور به واشنگتن رفته بود حین برگشت شان شنیدیم که گفت حکومت امریکا از جانب افغانستان نهایت پریشان بوده و با سی هزار عسکرافاضافی یکتعداد مشاورین پخته کار و با تجربه را نیز جهت اداره و رهنمائی وزارتخانه ها میفرستد و وعده میدهم در چند ماه آینده در اوضاع افغانستان تغییر محسوسی رونما شده و کشور به سوی ترقی و تعالی پیش برود.

"گرزی صاحب" مشاورین مبارک !!

همچنین نماینده ملل متحد در کابل که به واشنگتن در مقر ملل متحد برگشته، فرموده اند؛ آقای کرزی با ید کنار رفته و تا ختم دوره ریاست جمهوری یک کمیته اداری شامل جلالی، احمدزی و احدی وزیرما لیه سابق تشکیل یافته و مملکت را تا دوره انتخابات بعدی اداره کنند. **"گرزی صاحب" دا بله خوشحالی !!**

نمیدانیم حرف "آقای" گیتس وزیر دفاع نماینده جمهوریخواهان که علاوه بر صدور دستور جنگ و کشتار زنان و اطفال و مردم بیگناه و بی سلاح کشور ما و خرابی آبادی ها و اعمار میدین هواپیماهای بزرگ و کوچک، پایگاههای نظامی، پناه گاهها و سا ختمان های مختلف مورد ضرورت عسکری خود در مناطق مختلف این کشور بیچاره، بی سر و بدون دروازه ما را صادر میفرمایند بپذیریم و یا از جانب اوپاما رئیس جمهور و نماینده دیموکراتها حزب حکومت بر حال؟ و یا دستور رئیس ارکان حرب، یا نظرسفیر کبیر این کشور بزرگ و قدرت اول جهان؟ و یا فرمایشات معاون نماینده ملل متحد در کابل را؟

"جناب" کرزی صاحب !

پارلمان از وزیر سلب صلاحیت میکند شما وی را نگه میدارید.

محکمه، شاروال کابل متهم به رشوه ستانی را محکوم و از وظیفه سبکدوش میسازد. شما آنرا دوباره در کرسی می نشانید.

وزیر دفاع و رئیس ارکان شما تقاضای سه سال توقف مزید قوای خارجی و کمکهای آنها را دارد، اما شما پانزده و بیست سال کمک و توقف نیروی بیگانه را میخواستید.

کجاست صلاحیت قانون و پارلمان ؟ کجاست آزادی حقوق و آزادی محاکم ؟ کجاست صلاحیت وزیر وزارتخانه ها؟ چه شد مفاهیم حقوق بین المللی عمومی و خصوصی ؟

به نظر من شما لویی چهاردهم این عصر شده اید که میگفت حرف من قانون است.

بعضی ها می فرمایند اینهمه بدبختیها نتیجه اعمال سوء و سیاست ناعاقبت اندیشانه آقای جورج دبلیو بوش رئیس جمهور سابق است، بلی اینرا ما هم قبول داریم اما ازینهم چشم پوشی نمیتوانیم که رؤسای جمهور ایالات متحده امریکا بدون مشوره مجلس سنا کاری انجام داده نمیتوانند اگر مجلس بخواهد از رئیس جمهور سلب صلاحیت کند چنانچه نیکسن را به اثر رسوائی رشوه ستانی در واقعه و اترگیت قبل از به سر رسیدن موعد ریاست جمهوری اش، عزل کرد و یا جان کنیدی فقید را طور مرموز کشتند که تا امروز کسی نفهمید چرا؟ علوئاً طوریکه مشاهده میکنیم بعد از رویکار آمدن آقای اوپاما تاحال در سیاست حکومت ایالات متحده امریکا در راه امنیت جهانی و صلح و پایان جنگ و خونریزی کوچکترین تغییری به نظر نمیرسد، حتی عین سیاست دبلیو بوش سفاک در تقویه بیشتر سرباز و

جنگ شدیدتر ادامه دارد. شاید به خاطر خوانندگان محترم باشد "آقای" اوباما قبل از انتخاب شان درین مقام و هم بعد از آن، وعده دادند که کار اول شان کشادن سر زخم جنگ طولانی اسرائیل و فلسطین و خارج ساختن کثافات و پاکی آن است تا هر دو در کنار هم مساویانه و برادر وار به سربرند کجا است این صلح؟ چرا صورت نمیگیرد؟ اسرائیل مردانه وار!! هر پیشنهاد را که در راه برقراری صلح اعلام شود با آنکه فلسطین میپذیرد رد میکند درمقابل، "جناب" اوباما مینگرد و سخنانی میکند و نمیتواند عکس العمل نشان داده و یکطرف را مسؤول معرفی کند چون مجلس سنا حامی اسرائیل میباشد اگر چنین حرکت از جانب مسلمانان و فلسطین صورت میگرفت، اوباما و نمایندگان سنا به شمول تمام کشورهای اروپائی فلسطین و مسلمانان را محکوم ساخته و گنهارمی گفتند اما چون اسرائیل گل سر سبد ایالات متحده امریکا و کشورهای غربی است لہذا دربرابر این خاموشی و ارسال سی هزار سیاه تازه نفس جهت کشتار مردم و زنان و اطفال افغانستان به "جناب" اوباما جایزه صلح نوبل داده میشود کاملاً حق و به جا و شایسته گفتن مبارکباد است!!

بیچارگی و بدبختی مردم افغانستان را بنگریم که خود زمامدارش طی بیانیہ خویش از دوستان شخصی شان مخصوصاً صدراعظم انگلستان دشمن اصلی و قدیمی شرق مخصوصاً افغانستان و ایالات متحده امریکا صاحب غرض در قضایای جنگ های جهان و افغانستان تقاضا می فرمایند که در این راه او را تنها نگذارند زیرا وی معتقد است که امنیت شاید با گذشت زمان طولانی پانزده و بیست سال آینده در این کشور برقرار شده بتواند. در صورتیکه وزیر دفاع و معاون و سخنگوی وزارت دفاع شان هر یکی به نوبه خود اظهار می دارند اگر کشورهای کمک کننده طبق وعده به تریبه عساکر و پولیس ملی و تکمیل تسلیحات آنها توجه فرمایند به خوبی میتوانند در ظرف مدت سه سال قدرت را تسلیم گرفته و به خود متکی و از کمک دیگران بی نیاز شوند.

در پایان گفتار با اینکه میدانیم انگلیس و ایالات متحده امریکا در کشورهای مورده علاقه زمام دارش را مطابق آرزو و ضرورت خود ندانند به وسایل ممکن و لومنجر به قتل هزاران وطندار و یا حامیان آن شود او را از بین برده اجیران حلقه به گوش خود را درجایش می نشانند مثلاً درکشورچیلی ایالات متحده امریکا سلوادورالنده رئیس جمهور منتخب و ملی آنکشور را به گناه وطن دوستی و تمایل سوسیالیستی با کودتای فرمایشی از بین برده عوض آن پینوشه جنرال عسکری اجیر خود را رئیس جمهور تعیین کردند و یا انگلیس جنایتکار، غازی امان الله خان بنیانگذار افغانستان نوین را از بین برده و در کرسی آن حبیب الله کلکانی یک بیسواد را نشانند و یا صدام حسین زمامدار و طندوست عراق را که از نفت وطن خود دست کمپنیهای نفتی انگلیس و امریکا را کوتاه ساخت همه دیدیم چگونه ظالمانه از بین بردند و یا همین جنایتکاران قرن ۲۱ برادران و فرزندان وطن دوست ابن سعود را که نفت را مال مردم خود میگفتند چگونه تحت اسم مریض، بی کاره، خلل دماغ از اشغال کرسی سلطنت تاپایان عمر محروم ساختند اما با همین قدرت شان اگرکشور ما کوچک و ناتوان بوده و از تخنیک عصری جنگی چیزی نداریم باز هم مانند گذشته های روشن نا امید نبوده با نیروی ایمان و کمک خدای توانا و مهربان دشمن را با سنگ و چوب و های های بیرون می رانیم.

اینست سر نوشت کشوری که به اثر اختلافات قومی و نفاق از بیگانگان تقاضای اتحاد میکنند

پیام به جوانان ترجمان

هموطن عزیز! با گوشها وچشمان بازمتوجه باش و درمحول خود و وطنت با هوشیاری بشنو و خوب نظر بیندازشاید بدانی که مادر، پدرناموس ووطن و قبور اجداد را درمقابل این ده هزاردالرماهوار فروخته میباشی پول تمام میشود همینکه به حال آئی و دیده بکشائی میدانی که دربازی اخلاق، کرامت و شرافت را باخته ای آنگاه به زمین هرکشوریکه جهت زندگی قدم گذاری حتی همین ایالات متحده که برای آنها خدمت انجام داده ای همینکه ازسوابق توخبرشوند با نفرت به سویت مینگرند و تو را دشمن پدر و مادر، وناموس خوانده و وطن فروش میشناسند. یقین دارم وقتی پشیمان میشوی که همه این جواهرات گرانبها را ازدست داده ای. باید بدانی چنین پولها اگرملیارد باشد موش شده درسوراخ می گریزد و تو مانند دیوانگان نادم و پشیمان و برای به دست آوری یک لقمه نان خشک محتاج و سرگردان و یا با ملیونها دالرمورد تنفر همگان میباشی.

شاید متوجه شده باشی دشمن قدیمی و پخته کار، تو را محتاج دیده و با پیشکش این ده هزار دالر ماهوار می خواهد مبارزین و مدافعین حقیقی را توسط تو ازبین برده و زمینه حاکمیت خویش را در وطن و خانه تو برای خود مساعد میسازد.

اینست پیام و طندارت . خدا یار و مددگارت. با تقدیم سلام و احترام بی پایان